

مهدویت

در تفاسیر اهل سنت

نویسندگان:

نفیسه فقیهی مقدس

فاطمه فقیهی مقدس

فقیه‌ی مقدس، نفیسه، ۱۳۶۵-

مهدویت در تفاسیر اهل سنت / نویسنده نفیسه و فاطمه فقیه‌ی مقدس

- تهران: اندیشه ظهور، ۱۳۸۹. ۱۱۰ ص.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۳۱-۴۳-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - نظر اهل سنت

موضوع: مهدویت - نظر اهل سنت

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۹

رده بندی کتبه:

BP ۲۲۴/۴/ف ۷۴م ۹ ۱۳۸۹

۲۹۷/۴۶۲

رده بندی دیویدی:

۲۱۰۱۸۴۵

شماره کتابشنای ملی:

AndisheZohorPublishing@yahoo.com



مهدویت در تفاسیر اهل سنت

- نویسنده: نفیسه فقیه‌ی مقدس - فاطمه فقیه‌ی مقدس

- ناشر: اندیشه ظهور

- چاپ و صحافی: مرکز فرهنگی مطهر

- ناظر فنی و صفحه‌آرایی: ز- فرضی

- نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۰

- لیتوگرافی: به آفرین

- تیراژ: ۵۰۰ جلد

- قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۳۱-۴۳-۹

تلفن: ۰۹۱۲۳۵۹۱۴۴۳-۰۲۱-۶۶۴۰۶۴۷۷

۳	اهمیت و ضرورت موضوع
۵	مفهوم شناسی
۶	۱ - انتظار
۶	۲ - مهدویت
۶	۳ - اشراف الساعة
۷	۴ - رجعت
۹	ج) سؤالات مطرح
۹	د) جامعه آماری و شیوه کار
	فصل اول: کلیات
۱۳	اهل سنت و امام مهدی
	فصل دوم: اهل سنت و امام مهدی علیه السلام
۲۳	نسب حضرت و اعتقاد به مهدویت نوعی
۳۰	ظهور حضرت مهدی علیه السلام و اقتدای حضرت مسیح علیه السلام به ایشان
۳۲	انکار مهدی متظر علیه السلام
۳۵	تعارض روایات مهدویت
۳۶	نقد و بررسی
۳۷	نام پدر حضرت
۳۸	عدم ذکر احادیث مهدویت
۳۹	شیعی بودن مهدویت
۴۱	مهدویت و مدعیان مهدویت
۴۳	دیدگاه "لامهدی الا عیسی"

فصل سوم: نزول حضرت عیسیٰ علیه السلام

۴۷ حیات حضرت عیسی علیه السلام و نزول ایشان در آخر الزمان

۵۳ اقدامات حضرت عیسی علیه السلام پس از نزول

فصل چهارم: مهدویت و انتظار

۶۰ انتظار از دیدگاه اهل سنت

۶۱ پاسخ به شبهه‌های انتظار

۶۶ کارکردهای انتظار

۶۶ ۱. انتظار راهی به سوی آرامش و رهایی از اضطراب

۶۸ ۲. انتظار عامل رشد شخصیت

۶۹ ۳. انتظار و صبر

۷۱ ۴. انتظار اطمینان به پیروزی در سایه وحدت

۷۲ ۵. انتظار عامل پیشرفت و موفقیت

۷۴ ۶. انتظار عامل مقابله با تیرگی

۷۴ الف) حوزه شناختی

۷۵ ب) حوزه رفتاری

۷۶ ج) حوزه عاطفی

۷۷ ۷. انتظار امید به آینده روشن

۷۸ الف) امید حاکمیت الهی در زمین و استقرار مدینه فاضله

۷۸ ب) امید همراهی محبوب

۷۹ ج) امید به پاداش اخروی

فصل پنجم: رجعت	
رجعت	۸۳
رجعت از دیدگاه اهل تسنن	۸۳
۱. مخالفت با اصل ثابت و سنت خداوند	۸۵
۲. خبر واحد بودن روایات رجعت	۸۷
۳. عدم اصالت باور رجعت	۹۰
رجعت در تفاسیر امامیه	۹۱
نتیجه	۱۰۰
فصل ششم: فرستادن	
منابع	۱۰۱



اندیشه‌ی اسلامی و مجموعه باورها و عقاید دینی مسلمانان در پرتو تعالیم آسمانی قرآن کریم به بالندگی و ژرف‌نگری دست یافته و گستره‌ی فرهنگ و دانش مسلمانان بر اساس آن استوار گشته است. یکی از مبانی فکری و اعتقادی مسلمانان بحث پیرامون «موعود آخرالزمان و وضعیت دین در پایان دوره جهان» و به عبارت دیگر موضوع «مهدویت» می‌باشد.

موضوع مهم و بحث‌انگیزی که صاحبان مکاتب غیراسلامی را نیز به بحث و گفت‌وگوهای ریشه‌دار کشانده و مسلمانان را به بازکاوی و تدبر در آیات قرآن سوق داده تا با تعمق در آیات کلام وحی ترسیم صحیحی از جایگاه مهدویت ارائه نمایند.

در این میان اندیشوران شیعی با استناد به روایات گهربار نبی مکرم اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام همت خود را بر ایهام‌زایی از این مبنای اعتقادی شیعه در بحث امامت مصروف داشته‌اند. اهل سنت نیز فهم و درکی به فراخور اصول مسلم مذهب خویش تبیین نموده‌اند.

بدین لحاظ در پی قرون متمادی نظریه‌ها و ایده‌هایی متفاوت از سوی قرآن پژوهان اسلامی در ارتباط با موضوع ظهور حضرت مهدی (عج) صادر شده که علی‌رغم برخی تفاوت‌ها، نقاط مشترک قابل توجهی در آن دیده می‌شود.

نگارندگان در این نوشتار در صدد بر آمدند تا نظرات برخی از مفسران اهل سنت را پیرامون مهدویت و موضوعات مرتبط با آن بررسی نماید.

اهمیت و ضرورت موضوع

بررسی متون و آثار محققان و مفسران اسلامی، بیانگر اعتقادی است که با وجود فراز و نشیب‌ها، در عمق باور دینی و اسلامی ریشه دارد. تلاش اندیشه‌وران فرق اسلامی در لایه‌های گوناگون مجمل یا مفصل آن‌ها در تبیین اندیشه ظهور منجی موعود در عصر آخرالزمان، نشان از جایگاه رفیع این موضوع در اذهان مذاهب اسلامی دارد. تفکری که در آیات نورانی کلام وحی تبیین گشته و مفسران شیعه و اهل سنت به تناسب درک و فهم خود و با استناد به اخبار و روایات به تبیین آن همت گماشته‌اند.

آن‌چه در این میان، قابل توجه است؛ اهتمام دانشوران شیعه در تثبیت مهدویت شخصی و اعتقاد به ظهور حضرت پس از دوران غیبت و تداوم فیض الهی با استمرار سلسله امامت می‌باشد. هانری کرین اسلام شناس فرانسوی در این باره می‌گوید:



«به عقیده نویسنده، مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابط هدایت الاهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته است و به استمرار ولایت اعتقاد دارد ... تنها مذهب تشیع است که می‌گوید: نبوت با رحلت حضرت محمد ﷺ ختم شده، اما ولایت که همان رابط هدایت و تکمیل است، پس از رحلت حضرت هم‌چنان باقی است.

مهدی حقیقتی زنده است که هرگز نظرهای علمی نمی‌توانند او را از خرافات بشمارند و او را از فهرست حقایق حذف کنند.»^۱

شیخ طوسی رحمته الله از نام‌آوران تفسیر امامیه در تفسیر آیه ۷۰۶ سوره قصص^۲ می‌نویسد:

روی قوم من اصحابنا آن الیه نزلت فی شأن المهدی علیه السلام و ان الله یمن علیه بعد أن استضعف و یجمله اماما ممکنا و یورثه ما کان فی لیدی الظلمة ...^۳؛ گروهی از اصحاب ما بر این اعتقادند که آیهی شریفه درباره مهدی علیه السلام نازل شده است. خدای تعالی بر آن حضرت منت می‌گذارد و ایشان را پیشوای قدرتمند می‌گرداند و آن‌چه در دست ستمگران است را به ایشان وا می‌گذارد.

طبرسی رحمته الله دیگر مفسر برجسته شیعی در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره انبیاء^۴ چنین می‌گوید:

«هم اصحاب المهدی علیه السلام فی آخرالزمان و عدل علی ذلک مارواه الخاص و العام عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یتبع رجالا صالحا من اهل بیتی یملا الارض قسطا و عدلا کما قد ملئت ظلما و جورا»؛ این آیه درباره یاوران امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان است و آن‌چه شیعه و اهل سنت از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مبنی بر این که اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا آن روز را چنان طولانی کند تا این که مردی صالح از اهل بیت من برانگیخته شود و زمین را مملو از قسط و عدل گرداند، چنان‌چه از ظلم و ستم پرشده باشد. نقل شده گواه بر آن است.^۵

۱ - خلیج، محمد تقی، تشیع و انتظار، نشر پیام، چاپ پنجم، قم، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰.

۲ - و نريد ان تمن علي الذين استضعفوا فی الارض و تجعلهم ائمة و تجعلهم الوارثین (۵) و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما كانوا یحذرون (۶)؛ و خواهیم بر کسانی که در زمین فروست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم و در زمین قدرتشان دهیم و (از طرفی) به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند، بنمایانیم.

۳ - طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۸، ص ۱۳۱.

۴ - و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون؛ و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.

۵ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، سوم، تهران، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۰۶.



شیخ صدوق رحمته الله از محدثان سترگ امامیه دیدگاه شیعه را چنین ترسیم می‌نماید:

نعتقد أن الارض لاتخلو حجة الله على خلقه اما ظاهرا او خائفا مستورا و نعتقد أن حجة الله في ارضه و خليفته في عبادته في زماننا هذا هو القائم المنتظر محمد بن الحسن بن علي محمد بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن حسين بن علي بن ابي طالب وانه هو الذي اخبر به النبي صلى الله عليه وآله عن الله عزوجل باسمه و نسب و انه هو الذي يملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا؛ ما معتقدیم زمین از حجت الهی اشکار یا ترسان پنهان بر بندگان خالی نخواهد ماند و معتقدیم حجت خدا در زمین، خلیفه‌ی او بر بندگان در زمان ما، قائم منتظر محمد بن حسن ... است. او کسی است که پیامبر گرامی صلى الله عليه وآله به نام و نسب او خبر داده است و کسی که زمین را از عدل و داد پر کند، چنان که از ستم و بیداد پر شده است.^۱

و در برابر این اعتقاد راسخ امامیه، اهل سنت عموما به مهدویت نوعی قائل و به رغم هم‌سانی در کلیات این باور، در تفصیل آن به گونه‌های مختلف سخن به میان آورده‌اند.

روشن است هرچه محققان و پژوهش‌گران عرصه مطالعات مهدوی با نظرات و ایده‌های اهل سنت بیشتر آشنا شده و ارکان و مبانی باور آن‌ها را بهتر بشناسند، با تتبع و تعمق بیشتر می‌توانند شباهت و اختلافات را با بیان علمی پاسخ دهند و زمینه وفاق و هم‌گرایی امت اسلامی را هموار سازند.

مفهوم شناسی

روش علمی اقتضا می‌کند که برای در امان ماندن مغالطه و خلط، واژگان کلیدی تحقیق بررسی شود. واژه‌های انتظار، مهدویت، اشراط الساعة و رجعت که از کلید واژه‌های تحقیق است در این محور تبیین می‌گردد:



۱- انتظار:

از ریشه «نظر» گرفته شده و به معنای چشم به راه بودن و تأمل یک چیز و چشم داشتن به آن است.^۱ واژه‌های دیگری نظیر المکث،^۲ الترقب،^۳ النظر،^۴ الارصاد،^۵ نیز به انتظار معنا شده است. در بیان معنای اصطلاحی آن گفته شده که انتظار به معنای چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره‌ای الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط است.^۶ و گفته شده: انتظار کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی انسان‌ها برای آن چه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد و هرچه شعله آن فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود.^۷

۲- مهدویت:

مهدویت از لحاظ لغوی مصدر جمعی است و به معنای مهدی بودن است و چون مهدی اسم مفعول است و معنای هدایت شده را می‌دهد، به معنای ره یافته خواهد بود، امروزه اصطلاح مهدویت برای اشاره به آموزه‌ها و بحث‌هایی در نظر گرفته می‌شود که به گونه‌ای با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ارتباط دارد.^۸

۳- اشراط الساعة:

اشراط جمع «شرط» به معنای نشانه یا ابتدای چیز است و «الساعة» به جزئی از اجزای شبانه روز گفته می‌شود و مقصود از آن در این جا قیامت است، بنابراین، مراد از اشراط الساعة، نشانه‌هایی است که پیش از قیامت یا در آستانه آن واقع می‌شود.^۹

۱. الصحاح، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، اللین بی‌جا، موسسه دارالنهج، ۱۴۰۹ق، ج ۵ ص ۲۵۲.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۲۴.

۴. همان منبع، ص ۲۱۶.

۵. همان منبع، ج ۲، ص ۱۷۷.

۶. سلیمان، خدامراد فرهنگ‌نامه مهدویت، مرکز تخصصی مهدویت، اول، ۱۳۸۷، ص ۸۰.

۷. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه مهدی حائری قزوینی، ج ۲، ص ۳۳۵.

۸. سلیمان، خدامراد، فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۴۳۴.

۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۶ ص ۲۳۵.



مفسران برخی از تحولات اجتماعی و همچنین فروپاشی نظام طبیعت و درهم پیچیده شدن و تبدیل آسمان و زمین پیش از ظهور قیامت را که در آیات گوناگونی به آن اشاره شده است، از نشانه‌های قیامت دانسته‌اند.^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره نشانه‌های قیامت می‌فرماید: ده چیز پیش از برپایی قیامت رخ خواهد داد، خروج سفیانی، دجال، بیداشدن دود، دابه الارض، خروج قائم عجله الله تعالی فرجه طلوع خورشید از مغرب، نزول حضرت عیسی علیه السلام، فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق، فرو رفتن منطقه جزیره العرب و آتشی که از انتهای عدن بر می‌خیزد و مردمان را به سوی محشر راهنمایی می‌کند.^۲

۴. رجعت

رجعت در لغت از ماده رجع و اصل آن (الرجوع) به معنای بازگشت^۳ و بازگشتن جنگجویان به جنگ پس از مدتی استراحت، بازگشت به آغازین^۴ و بازگشت به ابتداء^۵ بازگشت پس از رفتن، انصراف و^۶ بازگشت به خوی نیاکان آمده است.^۷

در اصطلاح رجعت به احیاء عده‌ای بعد از مرگ و هنگام ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه اطلاق می‌گردد.^۸

سید مرتضی رحمته الله در تعریف رجعت چنین می‌نویسد: «معنای رجعت این است که خداوند، قومی را از شیعیانی که قبل از ظهور امام زمان عجله الله تعالی فرجه مرده‌اند، زنده می‌کند تا به نور مباشرت در نصرت و طاعت

۱. سلیمان، خنماراد فرهنگ‌نامه مهدویت، همان، ص ۳۳.

۲. ابن حبان، صحیح ابن حبان، موسسه الرساله، بی‌جا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۲۵۷.

۳. ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۹۰.

۴. الزبیدی السید محمد مرتضی، تاج العروس، چاپ مصر، ۱۳۰۶، ج ۵ ص ۳۴۸-۳۵۱. صاحب کتاب به نقل از لسان العرب، این عقیده را مربوط به قومی از عرب جاهلی دانسته است.

۵. الزین، سمیع عاطف، مجمع البیان الحديث، دارالکتاب اللبنانی و المصری، ۱۹۸۰ م، ص ۳۵.

۶. ابن منظور، جمال الدین ابی الفضل، لسان العرب، ج ۵ داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۲۸.

۷. الیاس، انطون، فرهنگ نوین عربی، فارسی، ترجمه سید مصطفی طباطبایی تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۴۲.

۸. الطریحی، الشیخ فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸، ن، ص ۱۵۰.

و جنگ با دشمنان او نایل آیند و این ثواب بزرگ از آن‌ها فوت نشود^۱ ... و نیز گروهی از دشمنان را زنده می‌کند، تا عذاب شوند.^۲

علامه مجلسی رحمته الله؛ اعتقاد اجمالی به رجعت و بازگشت گروهی از مردم و ائمه دین را لازم و علم تفضیلی و دانش واقعی آن را برای ائمه معصومین علیهم السلام دانسته است. ایشان می‌فرماید:

«از اخبار استفاده می‌شود که خداوند منان در عصر ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام گروهی از مؤمنین را زنده می‌گرداند و چشمانشان را به ائمه‌ی دین و دولت حقه روشن می‌سازد و نیز گروهی از کافرها و دشمنان دین را زنده می‌کند تا از آن‌ها انتقام کشیده شود»^۳

شیخ مفید رحمته الله؛ در این باره نوشته است:

«ان الذی تذهب الیه الشیعة الامامية ان الله تعالى یعید عند ظهور المهدي علیه السلام قوما ممن کان تقدم موته من شیعه و قوما من اعدائه»؛ از جمله مواردی که شیعه به آن رای داده این است که خداوند متعال در هنگام ظهور مهدی علیه السلام گروهی از پیروان و دوستان آن حضرت و دشمنانش را که مرده‌اند (زنده و به دنیا)، باز می‌گرداند.

همچنین، علامه حلی رحمته الله از جمله اعتقادات شیعه و بلکه از ضروریات مذهب حقه را رجعت دانسته‌اند.^۴

قول به رجعت و بازگشت معصومین و بعض پیروانشان پس از درگ، از عقاید مسلم و از مختصات کلامی شیعه بوده و آیات و روایات در این باره بیش از حد شهرت و نواتر است^۵ و بزرگان برای اثبات رجعت ادله^۶ متعددی ارائه نموده‌اند.^۷

۱. سید مرتضی علم الهدی؛ رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۳۰۲ و ص ۳۰۳.

۲. همان ج ۳، ص ۱۳۶.

۳. علامه مجلسی، اعتقادات دین اسلام، ترجمه عطایی خراسانی و محمد موسوی یزدی، حسینیه عماد زاده اصفهانی، ۱۳۶۸ ش، ص ۶۷ و ص ۶۸.

۴. شیخ مفید رحمته الله، تصحیح الاعتقادات الامامية، تحقیق حسین درگاهی، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۹۰ و نیز لؤلؤ المقالات بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴، ص ۴۶.

۵. طوسی محمد بن حسن، رساله النقای الجعفریة، قم: موسسه النشر الاسلامی، بی تا، ص ۲۵۰.

۶. خرمنشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، انتشارات دوستان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹۷ و حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معارف، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۶۳ و ص ۶۳۲.

۷. از جمله شیخ حر عاملی در الاستیقا فی الیهجة مؤخره دلیل بر اثبات رجعت ذکر نموده که برخی از آنها عبارتند از: آیهای متعدد قرآنی، احادیث متواتر، اجماع علمای شیعه به این که قول به رجعت از ضروریات مذهب امامیه است، وقوع رجعت در امام ساقه و به خصوص بنی اسرائیل دال بر جواز آن است.

سوالات مطرح

- مهدویت در تفاسیر اهل سنت چه جایگاهی دارد؟
- انتظار امام زمان علیه السلام در منابع تفسیری اهل سنت چگونه بیان شده و چه پاسخی بر شبهات آنان می‌توان ارائه نمود؟
- مفسران اهل سنت در اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام چه اشتراکات و افتراقاتی با شیعه دارند؟
- تصویر عالمان اهل سنت از حضرت عیسی علیه السلام و نزول ایشان در آخرالزمان چیست و چه دیدگاههایی در این باره وجود دارد؟
- رجعت چه جایگاهی در معتقدات فریقین دارد؟

(د) جامعه آماری و شیود کار

در این مقاله با تتبع بسیار برخی از تفاسیر اهل سنت نظیر تفسیر المنار^۱، روح البیان^۲، أضواء البیان^۳، تفسیر القرآن العظيم المسمى تأويلات اهل السنة (تفسیر ماتریدی)^۴، تفسیر تنزیه القرآن عن المطاعن

اعتقاد تمام ائمه شیعه به ثبوت آن، وجوب اقرار به رجعت در ادعیه، رجعت از مسائلی است که اهل سنت قبول ندارند و به مصداق «ختمًا خالف العامة» در نظر شیعه مورد قبول است. امام مستجاب الدعوة است پس اگر بخواهد عبادی زنده شوند، به این خدا زنده می‌شوند تمام فضایی که به پیامبران داده شده، به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هم داده شده و یکی از آنها زنده شدن مردگان بر آن امام است اعظم الهی را می‌داند و قادر است.

۱. شیخ محمد عبده، شاگرد سید جمال الدین اسدآبادی، از مصلحان و احیایان تفکر دینی، تفسیر المنار را در سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۴ قمری به نگارش درآورده است. این تفسیر که پس از وفات عبده توسط شاگردش رشید رضا ادامه یافت مملو از بحث‌های مهم اعتقادی و اجتماعی تحول آفرین است. تفسیر المنار که گفته می‌شود، سمی بر بازگشت به قرآن برای قشر روشنفکر جهان عرب دارد تأثیر فراوانی در پژوهش‌های قرآنی نهاده است.

۲. تألیف اسماعیل حقی بروسوی (اهل یورسای ترکیه) متوفای ۱۲۷۷ق. از علمای قرن دوازدهم است و تفسیر را با صیغه عرفانی و با هدف تربیت و هدایت نگاشته است. می‌توان گفت روح البیان جامع‌ترین تفسیر عرفانی است که در کنار اهتمام به بیان ظاهری الفاظ به مباحث عرفانی و اشاری پرداخته است.

۳. نوشته محمد امین بن محمد مختار جکنی شنیطی (۱۳۰۵-۱۳۹۳ق.) از علما و مفسران مورثانی الاصل ساکن حجاز و مدرس و واعظ مسجد شریف نبوی است و تفسیر را با رویکرد سلفیه به نگارش درآورده است. تا جلد هفتم تا آخر سوره مجادله به نگارش مولف و بقیه اثر را شاگرد وی علیه محمد سالم بر اساس سبک و اسلوب استاد نگاشته است. تفسیر رویکرد قرآن به قرآنی داشته و فارغ از شرح مفردات و تبیین‌های ادبی، به تبیین آیات وحی همت می‌گمارد. شنیطی با تعصب از آرای سلفیه دفاع کرده و در موارد متعددی عقاید شیعه و بقیه اهل سنت را مورد حمله خود قرار می‌دهد. رک ایازی، محمدعلی، شناخت نامه تفاسیر، نشر کتاب مبین، قم، ۱۳۷۸ش.

۴. ابی‌متصور محمد بن محمود الماتریدی سمرقندی (ت ۳۳۳ق.) از پیشوایان مذهب ما تریدی یکی از دو مذهب کلامی اصلی اهل سنت است. وی هم روزگار ابوالحسن اشعری، دیگر متکلم نامدار اهل سنت بود و هم چون او به دفاع از عقاید اهل سنت می‌پرداخت و با معتزله مناظرات و مخالفت‌های بسیار کرد. این تفسیر به رغم شمول تمامی سوره و آیات قرآن کریم مختصر و موجز است پس از بیان اجمالی معانی مفردات و عبارات قرآنی، تفاسیر مأثور از صحابه و تابعین را آورده در ادامه آرای متکلمین را نیز بیان می‌کند. برای بیان معانی و مفاهیم آیات قرآنی بسیار به دیگر آیات استنباهد می‌کند و از این رو می‌توان تفسیرش را از زمره تفاسیر قرآن به قرآن شمرد.



(تفسیر قاضی عبدالجبار معتزلی)^۱، الجواهر فی تفسیر القرآن^۲، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل^۳ پس از بررسی و مطالعه بر اساس رویکرد کلامی مفسر و نوع نگاه مفسر به موضوع مهدویت و نحوه پرداختن به مسأله گزینش شده است، هرچند به دنبال گستردگی کار، درصدد ادامه این روند و نگارش کتاب‌های دیگر در همین راستا برآمده‌ایم.

پس از گزینش تفاسیر، آیات مهدویت از مجموعه کتاب‌هایی که پیرامون مهدویت در قرآن نگارش یافته نظیر المحجة نیما نزل فی القائم الحجة (السید هاشم بحرانی)، ملاحم القرآن (ابراهیم انصاری زنجانی)، المهدی فی القرآن، (سید صادق حسینی شیرازی)، القرآن يتحدث عن الامام المهدی، الايات الباهرة فی بقية العترة الطاهرة، اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن و... در تفاسیر مورد بررسی قرار گرفت و برخی تفاسیر نظیر تفسیر ماتریدی، تفسیر قاضی عبدالجبار معتزلی، شواهد التنزیل صفحه به صفحه مطالعه شد تا به دلیل اهمیت تفاسیر مذکور با توجه به رویکرد کلامی خاص مفسر، مطلبی ناگفته نماند. در مرحله سوم محورهای اصلی مطالب مشخص شده و مطالب بر اساس موضوعات تنظیم و با مراجعه به منابع دیگر تبیین و مستدل گردید.

امید که این نوشتار سهم اندکی در تثبیت جایگاه مهدویت داشته باشد.

۱. تنزیه القرآن عن المطاعن اثر تفسیری قاضی عبدالجبار همنانی اسدآبادی معتزلی (۴۱۵ق) است که بر اساس تفکر اعتزالی معتزله استوار بوده که با نگاه گزینشی مولف بیشتر بر طرح مطاعن مطروحه در مورد قرآن معطوف می باشد. نک: مودب، رضا، روش‌های تفسیر قرآن، انتشارات اشراق، اول، تهران، ۱۳۸۰ش. ص ۲۴۷.

۲. شیخ طنطوی بن جوهری مصری (۱۲۸۷-۱۲۵۸ق) از علمای شافعی مذهب است که با رویکرد اشعری تفسیر الجواهر را به ختمه تألیف درآورده است که ضمن توجه به لید هلباتی و معنوی، بیشتر به مباحث علمی پرداخته است تا چایی که لواط در این رویکرد وی را مورد انتقاد محقق دینی، به خصوص در مصر و حجاز قرار داد.

۳. نام مولف ابوالقاسم عیبالله بن عبدالله بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسان قرشی عامدی نیشابوری است که به این حناء و حاکم حسکائی شهرت دارد. وی از خاندان امیر عیبالله بن عامر بن کریم است که در زمان خلافت عثمان خراسان را فتح کرد. شواهد التنزیل حاکم حسکائی یکی از مهمترین متون کهن است که به تفصیل به فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خاندان وی پرداخته است. وی بر مذهب اهل سنت بوده و ذهبی در تذکره الحفاظ به حنفی بودن او تصریح نموده و او را «ابوالقاسم عیبالله... حنفی» معرفی نموده است. یعقوب جعفری در این باره می‌گوید: «مولف کتاب ابو القاسم حاکم حسکائی از محدثان و حافظان بزرگ اهل سنت و اهل نیشابور بود و به گفته شاگردش عبدالغافر او پیرو مذهب ابوحنیفه بود.